

بسم الله الرحمن الرحيم

تبیین قرآن

درس گفتارهایی از: مسعود بسیطی

در دوره تبیین قرآن، درباره‌ی چگونگی تبیین قرآن و نحوه‌ی بهره‌مندی از هدایت این کتاب نورانی سخن خواهیم گفت؛ و به این موضوع می‌پردازیم که چگونه می‌توان منظور حقیقی خدا را از کلامش دریافت. این مبحث در هشت گفتار و طی هشت هفته‌ی متوالی جهت استفاده‌ی علاقمندان ارائه می‌گردد.

درس هفتم: شئون قرآنی تبیین کنندگان وحی (قسمت دوم)

در جلسه‌ی گذشته به این موضوع پرداختیم که:

در قرآن کریم از افراد خاصی نام برده شده که «راسخ در علم»، «حامل علم» و «صاحب علم» هستند. برای آنکه بدانیم مقصود خداوند متعال از این افراد چه کسانی است، باید به مبین قرآن مراجعه نماییم. تبیین کنندگان قرآن - یعنی اهل بیت علیهم السلام - فرموده‌اند این شئون به آن‌ها اختصاص دارد. لذا هر که به دنبال بهره‌مندی از علم و هدایت قرآن است، می‌تواند به تبیین کنندگان قرآن - یعنی اهل بیت علیهم السلام - «مراجعه» کند. در این جلسه به برخی دیگر از شئون قرآنی مبین کلام وحی اشاره می‌کنیم:

﴿أَهْلَ الذِّكْرِ﴾ (اهل ذکر):

خداوند در قرآن می‌فرماید: "اگر نمی‌دانید از اهل ذکر سوال کنید"

حال باید دید مبین قرآن، «اهل ذکر» را که خدا به سوال کردن از آن‌ها امر فرموده، چه کسانی معرفی کرده است؟

رسول خدا در تبیین «اهل ذکر» فرموده‌اند: "ذکر، من هستم و اهل ذکر، امامان هستند".

علاوه بر این، مردم در زمان‌های مختلف، به مبین قرآن در عصر خویش مراجعه نموده‌اند و از ایشان درباره‌ی معنای «اهل ذکر» سوال کرده‌اند. تبیین‌کنندگان قرآن (از جمله امام باقر، امام صادق و امام رضا علیهم السلام) هم به آن‌ها چنین پاسخ داده‌اند که:

"ما (اهل بیت) اهل ذکر هستیم و ماییم سوال شونندگان" ۲

نتیجه آنکه: خداوند متعال، افراد خاصی را با عنوان «اهل ذکر» تعیین کرده و به مردم امر کرده آنچه نمی‌دانند از ایشان سوال کنند. به فرموده‌ی مبین قرآن، اهل ذکر، اهل بیت علیهم السلام هستند. لذا هر که هر چه درباره‌ی قرآن نمی‌داند، باید به ایشان «مراجعه» کند و از آن‌ها سوال نماید.

هَادِ (هدایتگر)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "برای هر قومی هدایتگری است".

رسول خدا در تبیین این آیه دست خویش را بر سینه‌ی علی علیه السلام نهاد و فرمود: "برای هر قومی هدایتگری است و یا علی تو روشن‌گر راه مردم و نهایت هدایت [آن‌ها] و فرمانروای شهرها هستی و من بر این شهادت می‌دهم".

امام صادق - ششمین مبین قرآن پس از رسول خدا - هم در تبیین این آیه فرموده: "هر امامی (از امامان دوازده گانه که رسول اکرم به فرمان خدا معرفی فرمود) هدایتگر عصری است که در آن است".

امام باقر - پنجمین مبین قرآن پس از رسول خدا - نیز چنین فرموده: "برای همه‌ی زمان‌ها از ما (اهل بیت) هدایتگری است که آن‌ها (مردم) را هدایت می‌کند به آنچه بر پیامبر آمده سپس هدایتگر پس از او علی و سپس سایر اوصیاء یکی پس از دیگری".

نتیجه آنکه: خداوند متعال، برای هر عصری هدایتگری قرار داده است. به فرموده‌ی مبین قرآن، این هدایتگر، امام هر زمان است. لذا هر کس به دنبال بهره‌مندی از هدایت قرآن است، باید به این هدایتگر «مراجعه» کند.

إِمَامٍ مُّبِينٍ (امام آشکار):

خداوند می‌فرماید: "همه چیز را در امام مبین شماره کرده‌ایم"^۸.

رسول اکرم «امام مبین» را اینگونه تبیین کرده‌اند که مُراد خداوند از امام مبین، نه تورات، نه انجیل و نه حتی قرآن است؛ بلکه «امام مبین»، علی بن ابیطالب است.^۹

امام صادق - ششمین مبین قرآن پس از رسول خدا - نیز با اشاره به آیه‌ی مذکور تاکید کرده‌اند مقصود از امام مبین، اهل بیت علیهم السلام هستند.^{۱۰}

نتیجه آنکه: خداوند متعال، همه چیز را در امام مبین جمع کرده است. به فرموده‌ی مبین قرآن، امام مبین، علی بن ابیطالب و جانشینان ایشان است. لذا هرکس به دنبال هر چیزی که باشد - از جمله فهم و علم قرآن - باید به اهل بیت علیهم السلام «مراجعه» کند.

❦ رافع اختلافات:

خداوند می‌فرماید: "و این کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه در آن اختلاف دارند، تبیین کنی"^{۱۱}.

همانطور که در جلسه‌ی سوم نیز اشاره شد، خداوند متعال، در این آیه، یکی از شئون مبین قرآن را «رافع اختلافات» معرفی می‌کند. بنابراین، افرادی که بر سر هر موضوعی - از جمله مباحث قرآنی - اختلاف دارند، می‌توانند به مبین قرآن مراجعه کنند تا ایشان مشکل را رفع کند. به فرموده‌ی رسول اکرم، مقصود خدا از مبین قرآن، اهل بیت علیهم السلام هستند.^{۱۲}

علاوه بر آیه‌ی فوق، خداوند متعال در آیات متعددی به مردم توصیه فرموده که نزاع‌ها و مشاجرات خود را نزد پیامبر (و جانشینان هدایتگر پس از او) ببرند تا ایشان اختلاف پیش آمده را حل نماید.^{۱۳}

نتیجه آنکه: خداوند متعال، یکی از شئون مبین قرآن را «رافع اختلافات» معرفی کرده است. به فرموده‌ی رسول اکرم، مقصود خدا از تبیین کنندگان قرآن که رافع اختلاف هستند، اهل بیت علیهم السلام است. لذا هر که در هر زمینه‌ای - از جمله مباحث قرآنی - اختلاف دارد، باید به ایشان «مراجعه» کند.

﴿أُولَى الْأَمْرِ﴾ (صاحبان امر):

تا اینجا شئون مختلفی از مبین قرآن مورد بررسی قرار گرفت و همگی آن‌ها آدمی را به این نتیجه می‌رساند که:

تنها راه عقلانی و ضمانت شده برای بهره‌مندی از هدایت و علم قرآن و همچنین رفع چالش‌های قرآنی، مراجعه به مبین آن - اهل بیت علیهم السلام - است.

در این قسمت، به شأن دیگری از مبین قرآن اشاره می‌کنیم که در آن خداوند مردمان را به اطاعت بی چون و چرا از ایشان امر فرموده است. خداوند می‌فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا اطاعت کنید و از رسول و **أُولَى الْأَمْرِ** (صاحبان امر) که از شمایند، اطاعت کنید"^{۱۴}.

با استناد به این آیه، اطاعت از **أُولَى الْأَمْرِ**، همانند اطاعت از خدا و رسولش، واجب است^{۱۵} و تمامی مؤمنان باید از صاحبان امر اطاعت کنند. حال، ببینیم مبین قرآن، صاحبان امر را چگونه معرفی می‌کند:

رسول خدا در تبیین اینکه اولی الامر چه کسانی هستند چنین فرموده: "آن‌ها جانشینان من و امامان مسلمانان، پس از من هستند. اول ایشان، علی بن ابیطالب است؛ سپس حسن، پس از او حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی ... سپس جعفر بن محمد صادق، سپس موسی بن جعفر، پس از او علی بن موسی، سپس محمد بن علی، بعد از او علی بن محمد، سپس حسن بن علی و پس از او کسی که نامش نام من و کنیه‌اش کنیه‌ی من است؛ همان که حجت خدا بر زمین و باقیمانده‌ی او در میان بندگان است؛ او که فرزند حسن بن علی (عسکری) است و خداوند به دست او شرق و غرب زمین را فتح می‌کند؛ او همان است که از شیعیانش غایب می‌شود (به صورت ناشناس در میان آن‌ها زندگی می‌کند) غیبتی که در آن تنها کسانی که خداوند قلب‌شان را با ایمان آزموده باشد بر قول به امامت او ثابت می‌مانند"^{۱۶}.

امام باقر علیه السلام - پنجمین مبین قرآن پس از رسول خدا - در تبیین **أُولَى الْأَمْرِ** در آیه‌ی فوق فرمود: "**أُولَى الْأَمْرِ**، تا روز قیامت امامان از فرزندان علی و فاطمه (علیهما السلام) هستند"^{۱۷}.

ایشان در روایت دیگری ضمن آن که **أُولَى الْأَمْرِ** را به اهل بیت پیامبر تبیین می‌کند و اطاعت آنان را با اطاعت خدا یکسان می‌شمارد، می‌فرماید:

"و آنان معصومان پاکند، مرتکب گناه نمی‌شوند و معصیت نمی‌کنند ... از قرآن جدا نمی‌شوند و قرآن از آنان جدا نمی‌شود"^{۱۸}.

نتیجه آنکه: خداوند متعال، به مردم دستور داده تا از صاحبان امر اطاعت کنند. به فرموده‌ی مبین قرآن، صاحبان امر، اهل بیت علیهم السلام هستند. لذا در همه‌ی امور - از جمله مباحث مربوط به قرآن - باید به ایشان «مراجعه» کرد و از رهنمودهای آنها تبعیت نمود.

نکات مهم این جلسه:

- برخی دیگر از شئون قرآنی تبیین کنندگان کلام وحی عبارتند از:
 - أَهْلَ الذِّكْرِ (اهل ذکر)
 - هَادٍ (هدایتگر)
 - إِمَامٍ مُّبِينٍ (امام آشکار)
 - رافع اختلافات
 - أَوْلَى الْأَمْرِ (صاحبان امر)
- خداوند می‌فرماید هر آنچه را که نمی‌دانید - از جمله مباحث مربوط به قرآن - از اهل ذکر بپرسید: (أَهْلَ الذِّكْرِ)
- خداوند می‌فرماید برای مردم هر عصری هدایتگری قرار داده. در نتیجه برای کسب هدایت - از جمله هدایت قرآن - باید به این هدایتگر «مراجعه» نمود: (هَادٍ)
- خداوند می‌فرماید همه چیز را در امام مبین جمع کرده. لذا هرکس به دنبال هر چیزی که باشد - از جمله فهم و علم قرآن - باید به امام مبین «مراجعه» کند: (إِمَامٍ مُّبِينٍ)
- خداوند می‌فرماید قرآن را فرستاده تا مبین، اختلافات مردم را با آن حل کند. لذا هر که در هر زمینه‌ای - از جمله مباحث قرآنی - اختلاف دارد، باید به مبین قرآن «مراجعه» کند.
- خداوند می‌فرماید از صاحبان امر اطاعت کنید. لذا در همه‌ی امور - از جمله مباحث مربوط به قرآن - باید از رهنمودهای صاحبان امر تبعیت نمود.
- به فرموده‌ی مبین قرآن، مقصود خداوند از «اهل ذکر»، «هدایتگر»، «امام آشکار»، «رافع اختلافات» و «صاحبان امر» اهل بیت علیهم السلام هستند.

۲- "قال رسول الله ص الذِّكْرُ انا و الائمه أَهْلُ الذِّكْرِ": كافی، ج ۱، ص ۲۱۰.

۳- "نحن أَهْلُ الذِّكْرِ و نحن المسئولون": كافی، ج ۱، ص ۲۱۰.

۴- "لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ": قرآن کریم، سوره رعد، آیه ۷.

۵- "دعا رسول الله بالطهور و عنده علی ابن ابی طالب؛ فأخذ رسول الله بيد علی بعد ما تطهر، فألزقها بصدرة ثم قال: **إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ** (سوره رعد، آیه ۷) ثم ردها الى صدر علی؛ ثم قال: **وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**؛ ثم قال: انك منارة الأنام و غاية الهدى و أمير القرى و أشهد علی ذلك أنك كذلك" یعنی: رسول خدا آبی برای وضو درخواست کرد و علی بن ابیطالب نیز نزد ایشان بود. پس از آنکه وضو گرفت، دست علی (ع) را گرفت و بر روی سینه ی خود نهاد. سپس فرمود «همانا تو (ای پیامبر) انذار دهنده‌ای» سپس دست را بر سینه‌ی علی (ع) گذاشت و فرمود «و برای هر قومی هدایتگری است» و یا علی تو روشنگر راه مردم و نهایت هدایت [آنها] و فرمانروای شهرها هستی و من بر این شهادت می دهم: بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲.

۶- "كل امام هاد للقرن الذي هو فيهم": كافی، ج ۱، ص ۱۹۱.

۷- "لكل زمان منا هاد يهديهم الى ما جاء به نبي الله ص ثم الهداه من بعده علی ثم الوصياء واحد بعد واحد": كافی، ج ۱، ص ۱۹۱.

۸- "وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ": قرآن کریم، سوره یس، آیه ۱۲.

۹- "لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص **وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ** قَامَ رَجُلَانِ مِنْ مَجْلِسِهِمَا فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ التَّوْرَةُ قَالَ لَا قَالَا فَهُوَ الْإِنْجِيلُ قَالَ لَا قَالَا فَهُوَ الْقُرْآنُ قَالَ لَا قَالَ فَأَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص هُوَ هَذَا إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ" یعنی: وقتی آیه‌ی «و همه چیز را در امام مبین شماره کرده‌ایم» بر رسول خدا نازل شد، دو مرد در مجلس برخاستند و گفتند: «یا رسول الله آیا آن (امام مبین) تورات است؟» فرمود: «نه». گفتند: «آیا آن (امام مبین) انجیل است؟» فرمود: «نه». گفتند: «آیا آن (امام مبین) قرآن است؟» فرمود: «نه». امیر مومنان علی بن ابی طالب آمد، رسول خدا (ص) فرمود: «آن (امام مبین) این شخص است. به راستی او است امامی که خدای تبارک و تعالی علم هر چیز را بر او شمرده است»: امالی صدوق، ص ۱۷۰.

۱۰- "سَدِيرُ الصِّيرْفِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع - وَ قَدْ اجْتَمَعَ إِلَيَّ مَالُهُ فَأَحْبَبْتُ دَفْعَهُ إِلَيْهِ - وَ كُنْتُ حَبِسْتُ مِنْهُ دِينَارًا - لَكِي أَعْلَمَ أَقَاوِيلَ النَّاسِ فَوَضَعْتُ الْمَالَ بَيْنَ يَدَيْهِ - فَقَالَ لِي يَا سَدِيرُ خُنْتَنَا - وَ لَمْ تُرِدْ بِخِيَانَتِكَ إِيانَا قَطِيعَتَنَا قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ وَ مَا ذَاكَ - قَالَ أَخَذْتُ شَيْئًا مِنْ حَقِّنَا لِنَعْلَمَ كَيْفَ مَذْهَبِنَا - قُلْتُ صَدَقْتَ جَعَلْتُ فِدَاكَ - إِنَّمَا أَرَدْتُ أَنْ أَعْلَمَ قَوْلَ أَصْحَابِي فَقَالَ لِي - أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ كُلَّ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ نَعْلَمُهُ وَ عِنْدَنَا ذَلِكَ - أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى - **وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ**" یعنی: سدير صيرفي گفت خدمت حضرت صادق عليه السلام رسيدم مقداری پول پيش من بود می‌خواستم به ایشان بدهم. یک دینار آن را نگه داشتم تا حرف‌های مردم را (درباره‌ی علم ایشان) آزمایش کنم. پول‌ها را خدمت امام نهادم. فرمود: «سدير به ما خیانت کردی. (البته) از این خیانت قصد سوئی نداشتی». عرض کردم: «فدايت شوم چطور؟» فرمود: «مقداری از حق ما را نگه داشتی تا ببینی ما چه می‌کنیم». عرض کردم: «راست می‌فرمایید». من می‌خواستم سخن دوستانم را آزمایش کنم». فرمود: «مگر نمی‌دانی ما هر چه مورد احتیاج باشد می‌دانیم و علم آن نزد ما است؟ مگر نشنیده‌ای خداوند می‌فرماید: «و همه چیز را در امام مبین شماره کرده‌ایم»: بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۱۳۰.

۱۱- "وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ": قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۶۴.

۱۲- علاقمندان به این موضوع می توانند به **درس چهارم از دوره تبیین قرآن** مراجعه کنند.

۱۳- به عنوان نمونه خداوند می فرماید: "... فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ..." یعنی: و اگر درباره‌ی چیزی به نزاع (کشمکش) رسیدید، آن را به خدا و رسول ارجاع دهید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید: قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۵۹؛ همچنین می فرماید: "... وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ ..." یعنی: و اگر آن را به پیامبر و به صاحبان امر ارجاع می دادند، به یقین کسانی از آنها که می توانند استنباط کنند، می فهمیدند: قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۸۳؛ و یا می فرماید: "فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا" یعنی: نه؛ سوگند به پروردگارت که ایشان ایمان ندارند مگر آنکه تو را در آنچه میان شان مشاجره است، داور قرار دهند و سپس از آنچه حکم کرده ای در دل خویش احساس ناراحتی نکنند و به راستی بر آن گردن نهند: قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۶۵.

۱۴- "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ": قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۵۹.

۱۵- امام حسن مجتبی - دومین مبین پس از رسول خدا - می فرماید: "أَطِيعُونَا فَإِنْ طَاعَتَنَا مَفْرُوضَةً إِذْ كَانَتْ بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولِهِ مَقْرُونَةً قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ" یعنی: ما را اطاعت کنید که قطعاً اطاعت از ما واجب است چون به اطاعت خدا رسولش مقرون شده است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: «اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر و اولی الامر از خودتان را» بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۵۹.

۱۶- "فمن أولی الامر قال هم خلفائی یا جابر و ائمة المسلمین بعدی اولهم علی بن ابی طالب ع ثم الحسن ثم الحسین ثم علی بن الحسین ثم محمد بن علی المعروف فی التوراة بالباقر و سدرکه یا جابر فإذا لقیته فأقرئه منی السلام ثم الصادق جعفر بن محمد ثم موسی بن جعفر ثم علی بن موسی ثم محمد بن علی ثم علی بن محمد ثم الحسن بن علی ثم سمی و کنی حجة الله فی أرضه و بقیته فی عباده ابن الحسن بن علی الذی یفتح الله علی یده مشارق الأرض و معاریها ذاک الذی یغیب عن شیعته غیبة لا یثبت علی القول فی إمامته إلا من امتحن الله قلبه بالإیمان": بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۸۶.

۱۷- "أبی بصیر عن أبی جعفر ع فی قول الله عز و جل یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و اولی الامر منکم قال الأئمة من و لد علی و فاطمة ع إلی أن تقوم الساعة": کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲۲.

۱۸- "و هم المعصومون المطهرون الذین لا یدنوبون و لا یعصون ... و لا یفارقون القرآن و لا یفارقهم": علل الشرایع، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.